

## تعلیمات مغان (مجموعه عقاید زردشتیان)

### *The Teachings of the Magi, A Compendium of Zoroastrian Beliefs*

تألیف R. C. Zaehner استاد مذاهب شرقی در دانشگاه اکسفورد، لندن ۱۹۵۶

موضوع این کتاب آئین زرتشتی است، چنانکه در زمان ساسانیان و قرون نخستین اسلامی رواج داشته. مؤلف خود در مقدمه این نکته را تأکید می‌کند و می‌گوید: «غرض من از آئین زرتشتی آن مذهب رایج ثنوی است که ظاهراً در زمان فرمانروایی شاپور دوم ساسانی در سده چهارم مسیحی مستقر گردید و آثار موجود زرتشتی بر آن بنا شده است» (ص ۹). بنا بر این مؤلف از آئین زرتشت چنانکه از گاتها، یعنی سرودهای خود زرتشت، برمیآید و یا کیش زرتشتی چنانکه در روزگار هخامنشیان و اشکانیان و شاهنشاهان نخستین ساسانی وجود داشته بحث نمی‌کند و از مآخذ آئین زرتشتی و رابطه آن بادیین قدیم آریائی و آمیزش آن ب عقاید جاری بعضی اقوام ایرانی ذکری بهمین نمی‌آورد، بلکه همتش بر این مقصود است که خواننده را با عقاید و مراسم اساسی زرتشتیان ایران در قسمت عمده عهد ساسانی آشنا کند.

تأکید این نکته ضروری است، زیرا کیش زرتشتی از آغاز ظهور تا کنون تحولات بسیار یافته است. در گاتها که کهن ترین قسمت اوستا و سرودهای خود زرتشت است بکیش برکشیده و والائی برمیخوریم که در آن راندن خدایان کهن آریائی از مقام خدائی و بازداشتن مردم از قربانی حیوان و ترغیب آبادی و کشاورزی و برحذر بودن از فریب اهریمن منزلتی بزرگ دارد. اهورامزدا خدای واحد توانائی است که بکمک شش یاور مینوی خود: بهمن و اردیبهشت و شهریور و خرداد و مرداد و سپندارمذ که بخقیقت مظاهر شش گانه وی اند جهان ما را راه می‌برد. زرتشت را برای راهنمایی مردم و آموختن دین و حمایت چهارپایان اهلی، خاصه گاو، و بز-

داشتن مردم از پرستش دیوان (خدایان کهن آریائی) گسیل میدارد. در گاتها از مهر، پروردگار کهن آریائی، سخنی نیست. جمشید مردود است، خدایان دیگر نیز در این بارگاه راه ندارند.

اما سرودهایی که در یشتها گرد آمده صورت دیگری از کیش زرتشتی را نشان میدهد: خدایان قدیم آریائی از مهر و بهرام و ناهید و رشن و سروش و دیگران نیرو گرفته‌اند و در پناه هر مزدبکار مردمان می‌پردازند. جمشید و فریدون و کیخسرو و کاووس از قهر مانان مالی بشمار میروند. خواندن اوراد و ادعیه و نیاز بردن بخدایان گوناگون رواج دارد.

در «وندیداد» باز بصورت دیگری از آئین زرتشتی بر میخوریم. سخن بیشتر در آداب و مراسم دینی، خاصه آداب تطهیر و پاک ماندن از ناپاکی مرده است (دو فصل اول و نندیداد را باید جدا شمرد). بعضی جزئیات آن ملال آور است و حاکی از نفوذ و تسلط طبقه‌ای است که آداب و تشریفات دینی را بعهدہ داشته‌اند. محتمل است که این جزء اوستا نموداری از عقاید و مراسم طایفه مجوس باشد.

از چگونگی آئین زرتشتی در دوره طویل اشکانی درست آگاه نیستیم. از دوره ساسانی آگاهی ما بیشتر است. اما این آگاهی بیشتر مبتنی است بر آثاری مانند «بندهشن» و «دینکرت» و «مینوی خرد» و «دانستان دینیك» که همه پس از ظهور اسلام و عموماً در قرن سوم اسلامی نوشته شده‌اند.

درباره آن صورت از کیش زرتشتی که از اوستا برمیآید، آثار فراوان تألیف شده، اما درباره کیش رایج دوره ساسانی اثر جامع بسیار کم است. از اینرو کتاب پرفسور زئر کتابی بسیار سودمند بشمار میرود.

شیوه‌ای که مؤلف در بیان مطالب اختیار کرده اینست که مسائل مهمی را که ادیان معمولاً با آنها سروکار دارند، مانند خلقت عالم و آدم، خیر و شر، ثواب و عقاب، آداب زندگی، مراسم دینی، قیامت، بهشت و دوزخ، بقا و فنا، اختیار کرده و عقیده زرتشتیان را در این مسائل بیان نموده و در هر مورد قسمتی از آثار زرتشتی را که حاکی

از آن عقیده است ترجمه کرده و در ذیل بیان خود آورده، تا خواننده مطلب را از دهان خود زرتشتیان بشنود.

این شیوه علاوه بر آنکه خواننده را باقول خود زرتشتیان آشنا می‌کند این فایده مهم دیگر را نیز دارد که ترجمه عده‌ای از متون مفید زرتشتی را که بعضی از آنها تازه است بدست می‌دهد. از جمله ترجمه «گزیده اندرز دانا یان کهن» و «اندرز آذرباد مهر سپندان» و اندرزنامه دیگری از آذرباد پیشوای بزرگ زرتشتی (متون پهلوی، طبع جاماسب اسانا، ص ۱۴۴ و بعد) و «اعتراف نامه زرتشتی» (مأخوذ از «زند خرده اوستا») بعلاوه قطعاتی از «بندهشن» و «مینوی خرد» و «شکند گمانیک و یچار» و «دینکرت» در این کتاب آمده است.

این کتاب باذوق و اطلاعاتی که در تدوین آن بکار رفته یکی از بهترین آثار است که برای آشنائی با آئین زرتشتی می‌توان خواند.

پس از خواندن کتاب درباره آئین زرتشتی چه می‌توان گفت؟

نخستین نکته‌ای که بنظر می‌رسد، و مؤلف نیز در تأکید آن کوشیده است، اینست که کیش زرتشتی یکی از «منطقی‌ترین» مذاهبی است که تا کنون در عالم ظهور کرده و آنرا باید یکی از عالی‌ترین مظاهر اندیشه ایرانی محسوب داشت. اساس منطق کیش زرتشت بر جدائی میان نیک و بد است: بدی از نیکی نمی‌زاید و نیکی جز بر نیکی قادر نیست. نیکی و بدی یاروشنائی و تاریکی دو جوهر مستقل و جاویدان‌اند. اهورامزدا که مظهر نیکی است هر چه آفریده خوبی و خوشی و نیکی و سعادت است. منسوب داشتن شر، حتی کیفر بدکاران، به او کفر است. آنچه زشتی و ناپاکی و پلیدی است ساخته اهریمن است که جهان اهورامزدا را با فات خود چون بیماری و درد و پیری و زشتی و جانوران زیانکار و سرمای سخت و گرمای آزارگر آلوده کرده.

بنا بر این آئین، در جهانی که خوبی و بدی و گل و خار و گنج و مار توأمند تصور دو نیرو و دو جوهر مستقل اندیشه آدمی را از دشواری‌هایی که با تصور یک منشأ واحد پیش می‌آید آسوده می‌کند و مشکل وجود یافتن شر را از مبدأ خیر از میان برمی‌دارد.

نکته مهم دیگری که بنظر میرسد امیداستواری است که در آئین زرتشتی برستگاری هست. نه تنها عاقبت اهریمن شکست میخورد و بدی نابود میشود و جهان ما از آفات اهریمنی میرهد، بلکه آنان نیز که در این جهان از نیکی ببدی گزاشیده اند و فریب اهریمن را پذیرفته اند، در «فرشکرت» (رستاخیز) از رنج دوزخ رهائی می یابند و پس از آنکه سه روز فلز گداخته بر آنها جاری میگردد سرانجام پاکیزه و جاودان می شوند و بد نیکی بختی ابدی میرسند. اما این رستگاری مستلزم فنای جهان مادی و بدن مردمان نیست. برعکس جهان ما چنانکه هست، فارغ از آفات اهریمنی، مخلد میشود و بدنهای مردمان جاودان میگردد و پس از رستاخیز مردم بزندگی بی رنج و آسوده ای آغاز می کنند و از اذیت زناشویی نیز برخوردار میگرددند. این نکته با منطق کیش زرتشتی کاملاً سازگار است، چه جهان ما و مردمان و بدنهای ایشان همه ساخته هر مزداست و زندگی امری شریف و شادی بخش است و آبادانی و زناشویی و فرزند پروری همه وظیفه آدمی است. لذات دنیوی و امور مادی و بدنی، جز آنجا که افراط در کار باشد، همه خواستنی و پسندیدنی است. از اینروست که زرتشتیان مانویان را که انسان را زاده دیو و خواهش و لذات ویرا اهریمنی میدانستند چنان گمراه و زیانکار می شمردند.

نکته دیگری که نظر را جلب می کند، شیوه اخلاقی زرتشتی است. در آئین زرتشتی تصور روشن و استواری از آئین اخلاقی هست. راستی و درست کرداری ابزار انسان در مبارزه با اهریمن است.

دیوان مهم زرتشتی «آز» و «خشم» نام دارند و نام عمومی دیوان «دروغ» است. داد و ورزیدن و راست گفتن، کمک به بینوایان و نگاهدار زن و فرزند بودن، دستورات مهم اخلاقی زرتشتی است. بد بودن و دروغ ورزیدن فریب اهریمن خوردن است. از این لحاظ نیز کیش زرتشتی در میان ادیان مقامی ارجمند دارد.

این کتاب چون اجمالی است از آئین زردشتی ساسانی و برای آشنائی عمومی

با کیش زردشتی نوشته شده نکته های تحقیقی تازه در آن کم است . اما بسیاری از مضامین آن بر کتاب سابق پرفسور زبر درباره « زروان »<sup>۱</sup> که از کتب تحقیقی بسیار سودمند است که در سالهای اخیر درباره آئین زردشتی نوشته شده تکیه دارد . از آن جمله نکاتی است که درباره « زروان » خدای بزرگ زردشتی ، « وای (Vāi) » خدای دیگر آریائی و زردشتی در این کتاب آمده است .

« زروان » که در برخی از آثار زردشتی بصورت خدای اعظمی که آفریننده هر مزد و اهریمن است ظاهر میشود و آئین زردشتی را کم و بیش از صورت آئین ثنوی خارج میسازد پیوسته از مسائل مورد بحث میان ایران شناسان بوده است .

از آثار غیر زردشتی که از آئین ایران یاد کرده اند چنین برمیآید که در ایران ساسانی خدای بزرگ همان « زروان » که مظهر « زمان » است بوده و هر مزد و اهریمن از وی زاده اند . این معنی نه تنها از آثار مسیحیان معاصر برمیآید ، بلکه بخصوص از آثار مانویان استنباط میشود که در ایران بزرگترین خدای خود « شهریار عالم روشنائی » را زروان می نامیدند و فرزند « شهریار عالم روشنائی » را که باز از خدایان مانوی است « هر مزد » میخواندند (مانویان عموماً نام خدایان خود را با اسامی خدایان هر جامعه ای سازگار میکردند) *انال جامع علوم انسانی*

اما در ماخذ زردشتی ایرانی که عموماً بقرن سوم هجری متعلق اند زروان چنین اعتباری ندارد ، بلکه آئین زردشتی بصورت مذهبی ثنوی که در آن هر مزد مقام اول را دارد ظاهر میشود و از زروان پرستی فقط آثار و قطعات پراکنده ای بچشم میخورد که بیشتر از بدعتی در آئین زردشتی حکایت میکنند . از قطعاتی که بی شک نمودار آثار فرقه زروئیّه است بند های ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ فصل اول « بندهشن

<sup>۱</sup> - *Zurvan, a Zoroastrian Dilemma* XVI + 1495, Oxford, 1955

بزرگ است» که با مطالب پس و پیش آن سازگار نیست.<sup>۱</sup>

در باب منشأ زروان پرستی و اختلاط آن با آئین ثنوی زردشتی و اینکه کدامیک بعنوان آئین اصیل زردشتی معتبر است و کدامیک را باید بدعت شمرد تاکنون نظریات مختلف ابراز گردیده است. نویری زروان را از خداوندان قدیم آریائی می‌شمرد که در اصل خدای آسمان بوده و محتملاً هر مزد و اهریمن مانند روز و شب دو صورت از آسمان یا زمان را ظاهر می‌ساخته اند و پرستش وی بیشتر در ایران غربی رواج داشته<sup>۲</sup>. برخی دیگر از دانشمندان مانند هنینگ نفوذ زروان پرستی را با توجه خاصی که در آن به «زمان» و اعداد و دوره‌های زمانی و ستاره شناسی مشهود است تأثیر عقاید بابلی در دوران هخامنشی می‌شمارند که موجب ایجاد فرقه و یارویی خاصی در داخل آئین زرتشتی شده و در اوائل دوره ساسانی رواجی یافته ولی عاقبت مزداپرستی اصلی بر آن غالب شده و تنها آثار پراکنده‌ای در ادبیات پهلوی از آن بجا مانده<sup>۳</sup>. برخی دیگر مانند دوشن میمی حتی بعضی از عقاید زروانیان را ب عقاید کهن هندی مرتبط شمرده اند.<sup>۴</sup>

پرفسور زئر در کتاب «زروان» کمتر بمنشأ زروان پرستی توجه دارد تا به اصول و عقاید زروانیان و رواج متناوب زروان پرستی و مزداپرستی در دوره ساسانی. بنظر وی آئین دوره ساسانی میان این دو مسلک نوسان داشته است. در دوره شاپور اول و یزدگرد اول و دوم و قباد، زروانیان که شاید آزاد منش تر بودند قوت گرفتند و برعکس در دوره جانشینان شاپور اول (دوره نفوذ کریتر) و شاپور دوم (دوره نفوذ

۱- صفحات ۲۸۰ و ۲۸۱ *Zurvan* دیده شود. این بندها بر حسب تقسیم بندی پرفسور زئر است،

نه خود بندهشن.

۲- « Questions de cosmogonie et de cosmologie mazdéennes, Jour. Asi. 1931, II P. 51 ff, 107, etc.

۳- W. B. Henning, *Zoroaster, Politician or Witch-doctor?* London, 1951 PP. 49 - 51

۴- J. Duchesne - Guillemin, « Notes on Zurvanism in the Light of Zaehner's Zurvan, With Additional References » Jour. Near Eastern Studies, Vol. XII, 2, 1956 P. 110

آذرباد مهرسپندان) و دوره خسرو اول، مزداپرستی یا کیش اصلی زردشتی نیرومند شد.<sup>۱</sup>

در کتاب مورد بحث، پرفسور زرنووارد بحث دشوار زروان نمیشود، ولی چنانکه گذشت بعضی از نتایج کتاب سابق خود را متذکر میگردد. از جمله اینکه در روایت زروانیان درباره خلقت عالم ظاهر ابتدا اهریمن در حمله نخستین خود فتحی بدست میآورده است (ص ۳۳). بخلاف روایت معروف که بموجب آن اهریمن سدهزار سال مدهوش در قعر تاریکی می افتد) و بنظر وی اینکه در فصل اول بندهشن از یک طرف میگوید که اهریمن در نتیجه تدبیر هر مزد در خواندن سرود مقدس *ahunwar* سه هزار سال مدهوش در قعر تاریکی افتاد و از طرف دیگر میگوید که اهریمن در همین سه هزار سال دیوانی برای مقابله با هر مزد آفرید، نتیجه خلط روایت زروانیان و روایت مزدایرستان است. از نکاتی که پرفسور زرنووارد در کتاب «زروان» عنوان کرده و در اثبات آن کوشیده<sup>۲</sup> و درین کتاب نیز می آورد برابر شمردن «جه» ماده دیواهریمنی بعنوان نخستین زن با «کیومرث» بعنوان نخستین مرد است (صفحات ۴۲-۴۳-۶۸-۷۴ دیده شود). در روایات و داستانهای زرتشتی کیومرث نخستین صورت آدمی است که هر مزد می آفریند. «جه» روسبی دیو ماده ای است که موفق میشود اهریمن را از دهشت سه هزار ساله خارج سازد و بحمله بجهان هر مزد وادارد.

جه باهریمن وعده میدهد که «کیومرث» و «گاو نخستین» سرسلسله چارپایان اهلی را که هر دو آفریده هر مزدند از پای در آورد. در اثر حمله اهریمن کیومرث پس از سی سال ناتوانی می میرد، اما دانه او را «سپندارند»، «الهی زمین» کدضمناً مادر کیومرث است می پرورد. ازین دانه گیاه روپاسی میروید و ازین گیاه «مشی و مشیان»

۱- برای انتقاد این نظر مقاله سودمند Dr. M. Boyce بنام Some Reflections on

Zurvanism » BSOAS, XIX, 2, 1957 دیده شود.

۲- کتاب Zurvan، صفحات ۱۹۲-۱۸۳ دیده شود.

زن و مرد نخستین بوجود می آیند.<sup>۱</sup> این دو سرنوشتی نظیر سرنوشت آدم و حوا دارند: اهریمن آنرا می فریبد و گناه می کنند. پرفسور زبر ازین قرینه و قرینه دیگری که بموجب آن میان کیومرث و جه نزدیکی روی داده گمان می کند که «جه» مظهر نوع مؤنث (نوع بدکار آن) است و مشی و مشیانده را نتیجه این نزدیکی می شمارد و گناه ورزیدن مشی و مشیانده را بسهم «جه» در وجود آنها منسوب میدارد. این نکته متحمل است اما مسلم نیست. در اعتراف نامه زردشتی میخوانیم که معترف میگوید من از تخمه کیومرث ام. مادرم سپندارمذ (زمین) و پدر من هر مزد است (ص ۲۱) و بعید بنظر میرسد که آفرینش زن در دستگاه خلقت باهریمن واگذار شده باشد. ازین گذشته قرینه‌ای که مؤلف برای نزدیکی جه و کیومرث در نظر آورده (جه از اهریمن میخواهد که در وی آرزوی مرد ایجاد کند) آنقدر روشن نیست که بتوان آنرا بی تردید پذیرفت.<sup>۲</sup>

این کتاب با وجود اختصارش اثری بسیار سودمند و آموزنده درباره آئین زایج زردشتی در زمان ساسانیان است و در حقیقت قسمت عمده تحقیقات مؤلف را در باب آئین زردشتی باختصار بیان می کند. اعتدال فکر و قضاوت روشن مؤلف ارزش خاصی باثروی می بخشد.

۱. یارشاطر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- بندهشن بزرگ، چاپ انگلستان، صفحات ۲۱ و ۴۴

۲- هم چنین «Reflections on Zurvanism» اثر مذکور در فوق، صفحه ۳۱۳ دیده شود.